



راهکارهای تقریبی علامه محمدرضا مظفر

ندا سلیمانی فر

دانشجوی کارشناسی علوم قرآن دانشگاه مذاهب اسلامی تهران
neda_atashrooz_88@ymail.com

چکیده

نقش شماری از عالمان و بزرگان شیعه، در فراهم سازی بستر تفاهم و همدلی میان پیروان مذاهب اسلامی، بسیار برجسته و شاخص است. از جمله آنها محمدرضا مظفر است که با توجه به مقتضای زمان و رشد غرب‌گرایی و سلطه استعمار در بیشتر کشورهای اسلامی، دست به احیای وحدت و تقریب بین مذاهب اسلامی زد. از جمله اقدامات او در این رابطه، سامان دادن به وضعیت علمی و تربیتی حوزه‌های علمیه و بالا بردن سطح آگاهیهای دانشجویان علوم دینی بود. او صهیونیسم را خطر بزرگی برای جهان اسلام می‌دانست و از این رو معتقد بود که سران کشورهای اسلامی نباید با آن با مسامحه برخورد کنند. به عقیده وی اگر قوانین و دستورات مترقی اسلام به طور کامل در جهان به کار بسته شود، صلح پایدار میان تمام انسانها در سراسر جهان حاکم خواهد شد و همه به کمال و سعادت می‌رسند.

کلیدواژه‌ها: محمدرضا مظفر، تقریب مذاهب، جمعیت منندی النشر، تبلیغ، اخوت و برادری.



مقدمه

در تحقق وحدت اسلامی، عوامل گوناگونی مؤثر است که مهم‌ترین آن نقش آفرینی بزرگان، عالمان و فرهیختگان کشورهای اسلامی است. اندیشمندان مسلمان می‌توانند با اقدامات مؤثر خود، مردم مسلمان جهان را نسبت به ضرورت وحدت بین مسلمانان و توطئه‌های دشمن در زمینه تفرقه امت آگاه کنند.

محمد رضا مظفر یکی از صاحبان رأی و اندیشه در نزدیک کردن شیعه و سنی به یکدیگر بود. راهی که او برای نزدیک کردن دلهای مسلمانان - اعم از شیعه و سنی - پیش گرفت، شیوه‌های علمی و تألیف کتابهایی ارزشمند در این زمینه است. وی نخستین فعالیت مؤثرش را با سامان دادن به حوزه‌های علمیه و بالا بردن سطح آگاهی دانشجویان علوم دینی آغاز کرد.

شرایطی که در این زمان، ایجاد می‌کرد تا بین مذاهب اسلامی تقرب ایجاد شود، عبارتند از: سیطره استعمار بر امت اسلامی، پایین بودن سطح آگاهی مردم، ایجاد تفرقه در بین مردم توسط استعمارگران و فتاوی علمای برای جلوگیری از رفتن به مدرسی که در عصر استعمار باز می‌شد به دلیل فضای فاسد.

زندگی نامه علامه مظفر

محمد رضا مظفر در پنجم شعبان ۱۳۲۲ق در یکی از محله‌های نجف اشرف به نام «بِراق» چشم به جهان گشود و پنج ماه پیش از آنکه از مادر متولد شود، پدرش را از دست داد و نام «محمد رضا» که پیش از این به پدرش تعلق داشت، بر وی نهاده شد. (۱) مادرش دختر عبدالحسین طریحی (د ۱۲۹۳ق) است و او در دامان آن زن با فضیلت و با سرپرستی برادر بزرگش عبدالنبی مظفر (د ۱۳۳۷ق) پرورش یافت. پس از درگذشت عبدالنبی، برادر دیگرش، محمدحسن مظفر (د ۱۳۷۵ق)، سرپرستی او را به عهده گرفت و راهنمای زندگیش گردید. (۲) محمد رضا از خاندان علمی و ادبی بنام و معروف شیعی موسوم به «آل مظفر» برخاسته است. این خاندان از نیمه سده ۱۲ قمری در حوزه نجف اشرف شناخته شدند و چهره‌های نامدار و بزرگان در عرصه‌های متعدد و رشته‌های متنوع علوم اسلامی درخشیدند و شعاع پرتو نورشان گستره مراکز علمی - تحقیقی شیعه و غیر آن را در نور دید. (۳)

او پس از فراگیری خواندن و نوشتن، در ۱۳ سالگی راهی مکتب علوم دینی شد و به آموختن مبانی و اصول ادبیات عرب پرداخت و در این مقطع از محمد طه حویزی بسیار بهره برد. او سپس با عزمی راسخ دوره سطح فقه و اصول را سپری کرد و

آن‌گاه در جلسات دروس عالی این دو علم و همچنین حکمت، فلسفه و عرفان که از سوی اساتید بنام: (۱) محمدحسن مظفر؛ محمد رضا به همراه برادر دیگرش محمدحسین در درس برادر بزرگشان شرکت می‌کردند. (۲) محمدحسین نائینی (د ۱۳۵۵ق) (۳) ضیاءالدین عراقی (۱۲۷۸-۱۳۶۱ق) (۴) عبدالهادی شیرازی (۱۳۰۵-۱۳۸۲ق) (۵) علی قاضی طباطبایی (۱۳۸۵-۱۳۶۶ق) (۶) محمدحسین اصفهانی (۱۲۹۶-۱۳۶۱ق)، (۴) تدریس می‌گردید، حاضر گشت.

محمدحسین اصفهانی را می‌توان از معماران بزرگ علمی محمد رضا مظفر دانست که در شکل‌دهی شخصیت او، تأثیر بسیاری داشت، بدان حد که خط مشی اصولی، فقهی و فلسفی او، بیشتر متأثر از دیدگاه‌های این استاد است. احترام و تجلیل فراوان مظفر از مقام محمدحسین اصفهانی، گواه ارتباط تنگاتنگ و علاقه بی‌حد به ایشان است. (۵)

در محضر اساتید فن و با امداد از پروردگار، محمد رضا مظفر به مقام والای اجتهاد رسید و حضرات آیات محمدحسین اصفهانی، محمدحسن مظفر و عبدالهادی شیرازی اجتهاد او را گواهی کردند. (۶)

مظفر در سیر کسب دانش، علاوه بر علوم دینی، به فراگیری دانشهایی چون حساب، هندسه، جبر، هیئت و عروض روی آورد و در ۲۱ سالگی کتابی در علم عروض نگاشت.

محمد رضا مظفر در کنار تحصیل، مطالعه و تحقیق، به تدریس معارف الهیه در حوزه علمیه اشتغال داشت و نخست به تدریس کتاب مکاسب (در فقه) و رسائل (در اصول) پرداخت و آن‌گاه به تدریس دوره خارج فقه و اصول اهتمام ورزید. او همچنین فلسفه اسلامی را به طالبان این فن آموخت و از آن جمله کتاب /سفر اثر ملاصدرا را در منزل خود تدریس می‌کرد. (۷)

اوضاع سیاسی جهان اسلام در زمان علامه مظفر

در نیمه قرن بیستم، اولین دور از نبرد غرب‌گرایی و اسلام در عراق و البته در بیشتر کشورهای اسلامی، به نفع استعمار به پایان رسید و استعمارگران توانستند به حکم برتریهای مادی، سیاسی و علمی خود و عقب ماندگی جهان اسلام، سیطره خود را بر امت اسلامی تحمیل نمایند. رهبری دینی مستقر در نجف اشرف، عدم توجه جدی به جنبه سیاسی را برگزید و ضرورت نوگرایی در زیرساختهای جامعه اسلامی و ایجاد شکل نوینی از اندیشه اسلامی را که بتواند همپای چالشهای تمدنی تحمیلی از سوی غرب بر اسلام در این دوره جدید حرکت کند، حس نمود. بنابراین به صورت طبیعی توجه به نوگرایی فکری بر

دغدغه‌های سیاسی غلبه یافت و پایه‌های جدید زیرساخت جامعه اسلامی معاصر شکل گرفت.

از این رو مرجعیت دینی نجف اشرف با صدور فتوایی، ورود به مدارس عصری استعمارگران را تحریم کرده و در کنار آن، به گشایش مدارس مستقل با فضای دینی همت گماشت. در زمینه دروس حوزوی، عبدالحسین شرف‌الدین در کنار مدارس تحت نظارت خود، به تأسیس مدارس حوزوی در لبنان اقدام کرد. محمدمحسن امین در سوریه، دست به اقدام مشابهی زد و در ایران نیز عباس علی اسلامی، فکر تنظیم مدارس حوزوی در قالب مدارس تحت برنامه را پذیرفت. محمدرضا مظفر نیز در عراق، پیشگام تجربه نوسازی و برنامه‌ریزی در علوم حوزوی به شمار می‌آید.

از این رو دهه پنجاه و حتی دهه شصت قرن بیستم، دوره غلبه اندیشه بر سیاست در اقدامات مرجعیت و حوزه علمیه نجف اشرف به شمار می‌آید.

مظفر در رأس همه فعالیتها و اقدامات اصطلاحی نجف اشرف قرار داشت و نه تنها در همه جنبشهای اصلاحی زمان خود سهم بود، بلکه عضو بسیار مؤثر و بارز این جنبشها به شمار می‌رفت.

مشکل این بود که این افکار اصلاحی با همه نیرومندی و ایمانی که طرف‌دارانش به ضرورت عملی ساختن آن در حوزه علمیه داشتند، صورت مشخصی نداشت و یک برنامه اصلاحی اساسی و حساب شده برای چاره نواقص در میان نبود.

مظفر براساس تجارب طولانی به افکار اصلاحی کاملاً آشنا و تنظیم صحیح برنامه‌های درسی و تبلیغی به وضوح برایش روشن شده بود، او در پرتو نبوغ و دانش خود، توانست ریشه اصلی این مشکل را کشف کند و از همدردان و همفکران بخواهد، حل مسئله را از این ریشه‌ها آغاز کنند، در نظر او، مشکل اساسی در دو قسمت بود، یکی درس و تحصیل و دیگری تبلیغ و ارشاد. (۸)

اقدامات فرهنگی تقریبی علامه مظفر

برنامه‌ها و فعالیتهای اصلاحی محمدرضا مظفر، نام او را در زمره یکی از احیاگران عصر حاضر، در تاریخ کهن حوزه علمیه نجف اشرف جاودان ساخت، اقدامات اصلاحی او به قرار ذیل است:

۱) تشکیل جمعیت منتدی النشر

اولین اقدام او این بود که عده‌ای از برادران فاضل و همدرد خود را از حوزه علمیه، دور هم گرد آورد و جمعیت متفکر و باهدفی تشکیل داد که اوضاع و احوال علمی و درسی نجف را

به خوبی درک می‌کردند و به عمق و عظمت مأموریت اصلاحی سنگینی که نجف برعهده داشت، کاملاً آشنا بودند. (۹)

منتدی از ریشه «نداء» به معنای فریاد است و زمانی که به باب افتعال برود، به معنای فراخوانی همدیگر است؛ (۱۰) بنابراین، «منتدی النشر» به معنای فراخوانی یکدیگر در گسترش فرهنگ و علوم اسلامی است. مظفر با تشکیل جمعیت «منتدی النشر» کم‌کم به اهداف اصلاحی خود نزدیک‌تر شد. این نهاد کاملاً علمی و مذهبی در سال ۱۳۵۳ق، مجوز تأسیس را از دولت عراق گرفت و بهترین وسیله را برای تحقق اهداف اصلاحی، نشر فرهنگ دینی و ایجاد روح اسلامی در مردم و استحکام اخلاق تشخیص داد.

در ماده ۴ اساسنامه جمعیت چنین آمده است: «اهداف منتدی النشر عبارت است از: عمومیت دادن فرهنگ اسلامی و علمی، و اصلاح اجتماعی به وسیله نشر، تألیف، آموزش و ... با استفاده از شیوه‌های مشروع».

محمدرضا مظفر ریاست این جمعیت را به عهده داشت و حمایت ابوالحسن اصفهانی از این نهاد نوپا، بسیار راهگشا بود.

مظفر و همفکران دیگر او، خطر تهاجم فرهنگی غرب را شناخته و به سرعت جوانان را دریافتند و برای در امان ساختن آنان از شیخون دشمن، ایشان را در زیر چتر اندیشه‌های اسلامی جای دادند و مراکز عالی آموزشی را تأسیس کردند. (۱۱)

۲) تأسیس دانشکده فقه

مظفر در سال ۱۳۷۶ق، دانشکده فقه را در نجف اشرف تأسیس کرد و وزارت فرهنگ عراق در سال ۱۳۷۷ق آن را به رسمیت شناخت. مواد درسی این دانشکده عبارت بودند از: فقه امامیه، فقه تطبیقی، اصول فقه، تفسیر و اصول و مبانی تفسیر، حدیث و اصول حدیث (درايه)، روان‌شناسی، ادبیات و تاریخ ادبیات، جامعه‌شناسی، تاریخ اسلام، فلسفه اسلامی، فلسفه جدید، منطق، تاریخ جدید، اصول تدریس، نحو، صرف و یک زبان بیگانه.

محمدرضا خود در دانشکده به تدریس فلسفه اسلامی می‌پرداخت و مجلدات کتاب «اصول الفقه» را آماده می‌کرد، تا در دانشکده فقه تدریس شود. او همچنین به سرپرستی دانشکده و نظارت بر کارهای تألیفی آن می‌پرداخت. وی زندگی خود را به طور کامل در اختیار این مرکز علمی گذارد و همه تواناییها و امکاناتش را در این دانشکده بذل نمود. (۱۲)

۳) تدوین کتابهای درسی

در قرن اخیر، جمعی از اندیشه‌وران حوزه، تغییر برخی متون درسی و کوتاه کردن طول مدت آموزش را به منظور دستیابی سریع به اهداف متعالی پیشنهاد کرده‌اند و برخی از مصلحان نیز تجدید بنای علمی و تدوین کتابهای روزآمد را - با توجه به





حفظ عمق و اصالت مطالب آنها - وجهه نظر خود قرار داده‌اند که این تغییر و جایگزینی همواره با مقاومت برخی دیگر مواجه بوده است.

مظفر در میان دو دوره سطح و خارج، دوره نخست را به دلیل نقص در مواد درسی و سبک تحصیل و تدریس - نیازمند اصلاح می‌دانست و از این رو در پی تأسیس منتدی النشر و دانشکده فقه، تنظیم وضعیت آموزشی و افزودن متون آموزشی جدید برآمد.

تدوین کتابهای «المنطق»، «اصول الفقه» و «عقائد الامامیه» یک بازنگری و ابتکار در نگارش کتابهای درسی به شمار می‌آید که هم‌اکنون دو کتاب نخست از متون درسی حوزه‌های علمیه به خصوص حوزه قم می‌باشد. (۱۳) عقائد الامامیه، مجموعه‌ای از عقاید اسلامی براساس روش اهل بیت (علیهم السلام) می‌باشد که به صورتی فشرده و رسا تنظیم شده است، اثری که از هر گونه پیچیدگیهای رایج کتب کلامی عاری بوده و برای همگان درخور فهم است. مظفر پیش‌تر این مطالب را در سال ۱۳۶۳ ق در دانشکده دینی منتدی ارائه کرده بود و سپس آن را بدین نام و همچنین به نام «عقاید الشیعه» به چاپ رساند و هدف عالی او از نگارش آن، تقریب بین مذاهب اسلامی بود. (۱۴)

اقدامات سیاسی تقریبی علامه مظفر

مظفر زندگیش را تنها به فعالیتهای فرهنگی و علمی حوزه محدود نساخت، بلکه با اندیشه نافذش، مسائل و موضوعات اجتماعی و سیاسی جامعه و امت اسلامی را درنوردید و هر پدیده مهم را به دقت دنبال می‌کرد. بحرانها و مشکلات تحمیل شده بر مسلمانان، او را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌داد و به تلاش در راستای حل مشکلات مسلمانان وامی‌داشت.

فشارهای روزافزون فرانسویان بر مردم الجزایر و نامردمیهای صهیونیستها نسبت به مردم فلسطین، حوادث ناگواری است که از دید نافذ او پنهان نبود و آن فقیه فرزانه را در رنج فرومی‌برد و گاهی در برخی از نشریات، مقالات مفیدی می‌نگاشت. وی همچنین در جنگ بین مصر و اسرائیل در سال ۱۹۵۶م، تلگرافی خطاب به شیخ الازهر فرستاد و همدردی خود را با ملت مصر اعلام داشت. (۱۵)

او، صهیونیسم را خطر بزرگی برای جامعه اسلامی می‌دید و اصولاً انحراف سردمداران کشورهای اسلامی از حق و مسامحه ایشان با دیوسیرتان غرب را عامل بدبختی مسلمانان و ریشه رشد صهیونیستها می‌دانست. (۱۶)

مظفر با همکاری گروهی از اندیشمندان مسئولیت شناس، برای مقابله با افکار الحادی، «جماعة العلماء» را در نجف اشرف پی

نهاد، تا این نهاد برخاسته از حوزه، مبارزه با بی دینی و تهاجم فرهنگی دشمنان را پی گیرد و جلوگیری از گسترش افکار کمونیسم را رهبری کند. بیانیه‌های منتشره این گروه، گواه بینش و بلندنظری مؤسسان آن است. (۱۷)

در پی مخالفت امام خمینی (ره) و دیگر مراجع بزرگ ایران با فعالیت‌های ضد اسلامی شاه ایران، علمای نجف همچون مظفر با ایشان هم‌صدا شده، از حرکت انقلابی روحانیان حوزه علمیه قم حمایت و پشتیبانی کردند و ضمن صدور چندین اطلاعیه، مخالفت خود را با تصویب لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی اظهار داشته و از تجار خود را از اقدام ظالمانه رژیم پهلوی در فاجعه مدرسه فیضیه اعلام کردند. (۱۸)

راهکار علامه مظفر در برابر اختلافهای فرقه‌ای

پی‌تردید، اختلافهای قومی و مذهبی از ریشه‌دارترین مشکلات حیات اسلامی است که از زمان رحلت پیامبر اسلام (ص) تا کنون بر جوامع اسلامی سایه افکنده است. بدیهی است که متفکران و روشنفکران مسلمان هیچ‌گاه در برابر این مشکل، بی‌تفاوت نبوده و در پی راه‌حل اساسی برای آن بوده‌اند.

این نکته نیز نباید فراموش شود که ریشه جدایی بین صفوف مسلمانان صرفاً به سبب رویارویی و برخورد افکار در داخل جامعه اسلامی نیست؛ بلکه از روزگاران پیشین، استعمار و استکبار جهانی در صدد تفرقه بین مذاهب اسلامی بوده و در این راه کامیابی‌هایی هم کسب کرده است. جامعه اسلامی نیز در این مدت نتوانسته مردان مصلحی برای درمان درست این معضل تربیت، و راه‌حل درستی ارائه کند. با نگاهی گذرا به تاریخ تفکر اسلامی درمی‌یابیم که متفکران اسلامی در برابر مشکلات فرقه‌ای و اختلافهای مذهبی، دو راه را پیش گرفته‌اند، یا دست کم دو نوع عقیده در این باره ابراز کرده‌اند:

برخی معتقدند که در برابر مذاهب منحرف اسلامی، باید مقاومت کرد و کوتاهی یا هر نوع مدارا هیچ نتیجه‌ای نخواهد بخشید. اینان اعتقاد دارند که باید به حقیقت اسلام، چنان که قرآن کریم و پیامبر (ص) عرضه کرده‌اند، به صورت تعصب آمیز ایمان داشت و مخالفان را در برابر نقدهای شدید و کوبنده قرار داد.

در برابر این دسته، گروهی دیگر راه تفریط و سهل‌انگاری را پیش گرفته‌اند و معتقدند که معالجه اصلی اختلافهای مذهبی، از طریق اغفال و نادیده گرفتن برخی مسائل اعتقادی است. اگر ملل مسلمان، اختلافهای رایج بین خود را فراموش کنند و برای وحدت کلمه از اعتقاداتشان کوتاه بیاورند، تنشهای موجود از بین خواهد رفت و جوامع اسلامی، یکپارچه با آرامش و مسالمت

زندگی خواهند کرد.

بدیهی است که هیچ‌یک از راه‌حلهای ارائه شده عملی نیست؛ چرا که در راه‌حل اول، تجربه نشان داده هر گونه کوشش ستیزجویانه و تعصب آمیز، جز افتراق و به بار آوردن مشکلات جدید، ثمره‌ای دیگر نداشته است؛ زیرا بسیاری از فتنه‌هایی که اکنون در کشورهای اسلامی مانند هند، پاکستان، ایران و عراق مشاهده می‌کنیم، از تعصب و جمود فکری فرقه‌های مسلمان در این کشورها سرچشمه می‌گیرد. همچنین در راه‌حل دوم نیز هیچ‌گاه نباید از کسی که به چیزی ایمان دارد، انتظار داشته باشیم به آسانی از آن دست بردارد و آن را به ورطه فراموشی بسپارد؛ زیرا عقیده و تفکر، چیزی نیست که انسان در برابر آن، به راحتی کوتاه بیاید و کیان فکری خود را با اعتقادات منحرف دیگران درهم آمیزد. تحقق این موضوع، ممکن است در کوتاه مدت میسر باشد؛ اما تجربه نشان داده که هیچ‌گاه مستدام نخواهد ماند. مظفر که از شیوه‌های افراطی و تفریطی یاد شده، به طور کامل آگاهی داشت. او کوشید تا راه معتدلی را در حل اختلافهای مذهبی و وحدت بین شیعه و سنی پیش گیرد و خود در مناظره‌ای با احمد امین که در مجله الرساله نیز چاپ شد، تصریح کرد که نادیده گرفتن اعتقادات و کوتاه آمدن از شئون مذهبی چیزی است که نمی‌توان با آن موافقت کرد. در این دیدار، مظفر یادآور شد که حتی اگر بپذیریم این سهل انگاری و تنازل، بین اندیشه‌وران شیعه و سنی ممکن است، چه کسی این موضوع را بین توده مردم و آرای عمومی تضمین می‌کند؟ (۱۹)

شیوه‌ای که مظفر در نظر داشت و به آن نیز عمل کرد، بالا بردن سطح آگاهی توده مردم به وسیله اهل قلم و اندیشه‌وران با انصاف شیعه و سنی بود. وی معتقد بود که در این راه می‌بایست مباحثه‌ها و مناظره‌های سودبخش در فضایی آزاد به راه انداخت و نویسندگان منصف اعم از شیعه و سنی، حقایق اسلامی را آن‌طور که هست، بنگارند تا بدین وسیله گرایشهای تعصب آمیز از بین برود و مردم از تقلید بی‌اساس رهایی یابند. کاری که مظفر در این جهت انجام داد، تألیف کتاب *السقیفه* بود که به دور از تعصب و در فضایی کاملاً دوستانه، رویداد شورای سقیفه را تحلیل و ارزیابی کرد. وی در ابتدای کتاب، ضمن اینکه «هوای نفس» و «ابهام وقایع تاریخی» را دو عامل مهم اشتباه مورخان در تحلیل و ارزیابی وقایع تاریخی معرفی کرد، بارها به خواننده کتاب *السقیفه* هشدار داد که این دو عامل را همیشه مد نظر داشته باشد و به دور از هر گونه تعصب و پیش‌فرضها، کتاب یاد شده را مطالعه کند. (۲۰)

مهم‌ترین وسیله تبلیغ اسلامی از منظر علامه مظفر

مظفر، خطابه و تبلیغ متداول در نجف را در شأن آن حوزه کهن نمی‌دانست؛ زیرا امروزه هیچ خطیبی بدون آگاهی از افکار زمان و موضوعات علوم جدید و احاطه کامل به آموزه‌ها و معارف اسلامی (فقه، تفسیر و تاریخ) نمی‌تواند رسالت اسلامی خود را در سطح عالی و گسترده انجام دهد. او خطابه حسینی را یکی از مهم‌ترین وسایل تبلیغ می‌شناخت و وضع موجود حوزه را مطلوب نمی‌دانست و افتتاح مؤسسه و مدرسه‌ای را برای تربیت خطیب، یگانه راه نجات از آن نارسایی تلقی می‌کرد. گشودن دانشکده و عظ و ارشاد از آرزوهای مظفر بود. در سال ۱۳۶۳ق مجموعه‌ای به ریاست خطیب برجسته عراق، محمدعلی قسام و با نظارت مظفر تشکیل شد و کار آزمایشی خویش را (پیش از افتتاح رسمی دانشکده) با برپایی یک کلاس آغاز کرد و درسهایی چون فقه، علوم عربی، اصول دین و اصول حدیث (علم درایه) در آن تدریس می‌شد. مدت کوتاهی از عمر آن نگذشته بود که حمله‌های پیاپی بر آن وارد آمد و اتهامهای ناروایی بر آن زده شد؛ در حالی که این مؤسسه با اهدافی عالی و انگیزه‌های مخلصانه تأسیس شده بود و هدفی جز زدودن پیرایه‌ها نداشت، اما افسوس که مصلحان همیشه در معرض اتهام، و ناآگاهان سدی در مقابل اندیشه‌های والای ایشانند. (۲۱)

مدینه فاضله علامه مظفر

محمدرضا مظفر معتقد است: تنها دین مقبول در پیشگاه خدا «اسلام» است. اسلام دین آسمانی حق و آخرین و کامل‌ترین ادیان می‌باشد که بهتر از تمام آیینها سعادت بشر را تأمین و مصالح دنیوی و اخروی او را برآورده می‌سازد. روزی اسلام نیرو و حکومت جهانی خواهد یافت و عدالت و قوانین اسلامی سراسر جهان را فرا خواهد گرفت. اگر قوانین و دستورات مترقی اسلام، به طور کامل در جهان به کار بسته شود، صلح پایدار میان تمام انسانها و در سراسر جهان برقرار می‌شود، همه به کمال و سعادت می‌رسند و انسان به اخلاق فاضله نائل می‌گردد، ریشه ستم قطع می‌گردد و محبت و عاطفه انسانی و برادری در میان همه انسانها حکم‌فرما شده و فقر و سیه‌روزی و بدبختی از صفحه هستی ناپود می‌شود. اگر امروز وضع شرم‌آور و اسفناکی را در میان مردمی که خود را مسلمان می‌نامند، مشاهده می‌کنیم، علتش این است که از همان قرن اول، روح و نظام اسلامی به درستی مورد عمل و مطابق با نص قرار نگرفت و این سرپیچی از حقیقت اسلام، متأسفانه از آن روز تا زمان





ما که خود را مسلمان می‌نامیم، ادامه یافته و روز به روز هم اسفناک‌تر شده است، بنابراین پیروی از اسلام نبود که مسلمانان را به این عقب‌ماندگی تأثرآور دچار ساخته، بلکه کاملاً عکس این است؛ یعنی این سرپیچی از تعالیم اسلام و بی‌اعتنایی به قوانین آن و رواج و انتشار ستم و تجاوز در میان تمام طبقات از ضعفا تا فرمانروایان و از خواص تا توده مردم بوده که این وضع را پیش آورده و مانع پیشرفت مسلمانان شده است. (۲۲)

برادری، یکی از عالی‌ترین اهداف اسلامی در منظر علامه مظفر

مظفر بر این باور است: یکی از بزرگ‌ترین و عالی‌ترین هدفهای اسلامی این است که میان افراد مسلمان با همه اختلافاتی که از نظر زندگی و مراتب اجتماعی دارند، برادری ایجاد کنند، تقصیر بزرگ مسلمانان در گذشته و امروز همین بوده که به مقتضیات و آثار این برادری اسلامی عمل نکرده‌اند. اگر مسلمانان صفات برادری را فهمیده و به آن عمل می‌کردند، ظلم و تجاوز از سراسر زمین رخت برمی‌بست و بشر در برادری سعادت‌مندان‌های آن هم عالی‌ترین مراحل سعادت اجتماعی به زندگی خود ادامه می‌داد. دیگر انسانها دچار هیچ استعمارگر و جباری نمی‌شدند، گردنکشان بر آنها مسلط نمی‌شدند و بالأخره حساب زندگی آدمی غیر از این می‌شد که هست. (۲۳)

فداکاری علامه مظفر برای رسیدن به هدف

مظفر می‌گوید: ما آماده هستیم در راه هدف خودمان به فداکاریهای تازه‌ای دست بزنیم، اگر افرادی را پیدا کنیم که بخواهند بدون مداخله ما، خود به این کارها اقدام کنند، ما حاضریم از مباشرت و دخالت خودداری کنیم و این خدمات را به آنها بسپاریم، ... و به آنها اطمینان می‌دهیم که ما در هر کجا که باشیم و نقش ما در برنامه به هر وضعی باشد، ما خدمتگزار و کارگزار صدیق این برنامه‌ها خواهیم بود، ما نمی‌خواهیم با این سخنان برای حسن نیت خودمان دلیل بیاوریم. (۲۴)

نتیجه‌گیری

۱. اولین اقدام محمدرضا مظفر در تقریب مذاهب اسلامی، تأسیس جمعیت «منتدی النشر» بود که بهترین وسیله برای تحقق اهداف اصلاحی در پی نشر فرهنگ دینی و ایجاد روح اسلامی در مردم و استحکام اخلاق بود.

۲. مظفر و همفکران دیگر او، خطر تهاجم فرهنگی غرب را شناخته و برای نگاه داشتن جامعه اسلامی از شبیخون دشمن، مسلمانان را در زیر چتر اندیشه‌های اسلامی جای داده و مراکز عالی آموزشی را تأسیس کردند.

۳. او صهیونیسم را خطر بزرگی برای جامعه اسلامی می‌دید و اصولاً انحراف سردمداران کشورهای اسلامی از حق و مسامحه ایشان با دیوسیرتان غرب را عامل بدبختی مسلمانان و ریشه رشد صهیونیستها می‌دانست. به عقیده ایشان، ریشه جدایی بین صفوف مسلمانان صرفاً به سبب رویارویی و برخورد افکار در داخل جامعه اسلامی نیست؛ بلکه از روزگاران پیشین، استعمار و استکبار جهانی در صدد تفرقه بین مذاهب اسلامی بوده است. وی کوشید راه معتدلی را در حل اختلافهای مذهبی و وحدت بین شیعه و سنی پیش گیرد. او معتقد بود که نادیده گرفتن اعتقادات و کوتاه آمدن از شئون مذهبی چیزی است که نمی‌توان با آن موافقت کرد.

۴. شیوه‌ای که مرحوم مظفر در نظر داشت و به آن نیز عمل کرد، بالا بردن سطح آگاهی توده مردم به وسیله اهل قلم و اندیشه‌وران با انصاف شیعه و سنی بود. وی معتقد بود که در این راه می‌بایست مباحثه‌ها و مناظره‌های سودبخش در فضایی آزاد به راه انداخت و نویسندگان منصف اعم از شیعه و سنی، حقایق اسلامی را آن‌طور که هست، بنگارند، تا بدین وسیله گرایشهای تعصب آمیز از بین برود و مردم از تقلید بی‌اساس‌هایی یابند. کاری که مظفر در این جهت انجام داد، یکی، تألیف کتاب *السقیفه* بود که به دور از تعصب و در فضایی کاملاً دوستانه، رویداد شورای سقیفه را تحلیل و ارزیابی کرد و دیگری تألیف کتاب، *عقائد الامامیه* بود که مجموعه‌ای از عقاید اسلامی براساس روش اهل بیت (علیهم السلام) می‌باشد و به صورتی فشرده و رسا با هدف عالی تقریب بین مذاهب اسلامی تنظیم شده است.

۵. به عقیده وی اگر قوانین و دستورات مترقی اسلام به طور کامل در جهان به کار بسته شود، صلح پایدار میان تمام انسانها و در سراسر جهان حکومت پیدا می‌کند، همه به کمال و سعادت می‌رسند و تقصیر بزرگ مسلمانان در گذشته و امروز این بوده که به مقتضیات و آثار برادری اسلامی عمل نکرده‌اند.

پی نوشتها

۱. گلشن ابرار، ص ۶۸۰.
۲. شعراء الغربی أو نجفیات، ج ۸، ص ۴۵۱.
۳. گلشن ابرار، ص ۶۸۰.
۴. عقائد الامامیه، ص ۱۳۸، مقدمه تحقیق.
۵. مدرسه النجف، ص ۱۲۸.
۶. عقائد الامامیه، ص ۱۳۹، مقدمه تحقیق.
۷. گلشن ابرار، ص ۶۸۱.
۸. عقاید و تعالیم شیعه، ص ۲۴.
۹. همان.
۱۰. الصحاح، ج ۶، ص ۲۵۰۵، ذیل ماده ندا.
۱۱. تاریخ العراق السیاسی المعاصر، ص ۱۹.
۱۲. مدرسه النجف، صص ۱۲۹ و ۱۳۰.
۱۳. گلشن ابرار، ص ۶۸۱.
۱۴. همان، ص ۶۸۴.
۱۵. مدرسه النجف، ص ۸۷.
۱۶. عقائد الامامیه، ص ۱۱۲.
۱۷. مدرسه النجف، ص ۹۰.
۱۸. اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، صص ۴۱، ۶۱، ۶۶ و ۷۷.
۱۹. مدرسه النجف، ص ۱۴۲.
۲۰. اسرار سقیفه یک بحث جالب تاریخی، ص ۲۲.
۲۱. گلشن ابرار، ص ۶۸۳.
۲۲. عقاید و تعالیم شیعه، صص ۹۴ و ۹۵.
۲۳. همان، ص ۳۰.
۲۴. همان.

کتابنامه

۱. آصفی، محمد مهدی، مدرسه النجف، نجف، مطبعة النعمان، ۱۳۸۵ق.
۲. اسناد انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴ش.
۳. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربية، تحقیق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین، بی تا.
۴. خاقانی، علی، شعراء الغربی أو نجفیات، قم، مکتبه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ق.
۵. شبر، حسن، تاریخ العراق السیاسی المعاصر، التحرك الاسلامی، ۱۹۰۰-۱۹۵۷، بیروت، دارالمنتدی النشر، ۱۹۹۰م.
۶. گلشن ابرار، زیر نظر پژوهشکده باقر العلوم وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی، قم، نشر معروف، ۱۳۷۹ش.
۷. مظفر، محمدرضا، اسرار سقیفه یک بحث جالب تاریخی، ترجمه محمدجواد حجتی کرمانی، قم، انصاریان، ۱۳۷۶ش.
۸. همو، عقائد الامامیه، تحقیق: محمدجواد طریحی، قم، مؤسسه الامام علی(ع)، ۱۳۷۶ش.
۹. همو، عقاید و تعالیم شیعه، ترجمه محمد مجتهدی شبستری، تهران، کانون انتشارات محمدی، بی تا.

